

عمارت بادگیر کاخ گلستان در گذر تاریخ

عباس خاکسار

کارشناس موزه‌داری و پژوهشگر تاریخ قاجار
Fardin1540@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۴ / ۸ / ۴

تاریخ پذیرش: ۹۴ / ۱۱ / ۱۲

چکیده

تاریخ احداث اکثر بناهای دوره قاجار به دلیل ذکر آن در کتب مرجع آن زمان یا کتیبه‌ها مشخص است. لیکن تاریخ عمارت بادگیر کاخ گلستان به علت تغییرات بی‌شمار کالبدی در پرده‌ای از ابهام قرار گرفته است. در این پژوهش ابتدا با استفاده از منابع مستدل تاریخی - که به روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و تحلیلی صورت گرفته - تعلق بنا به زمان فتحعلی‌شاه و حتی قبل آن محرز می‌گردد. بنای مذکور ابتدا در اختیار محمدعلی‌میرزا (دولتشاه) پسر بزرگ فتحعلی‌شاه قرار داشته و بعد به سیف‌الدوله‌میرزا فرزند ظل‌السلطان عالی‌شاه پسر دهم فتحعلی‌شاه می‌رسد که تحت‌الحمایه دولت انگلیس بوده است. این کاخ به سبب کدورت بین دولت‌های ایران و انگلیس در سال ۱۲۷۳ق (در دوره ناصری) و به علل سیاسی از سیف‌الدوله‌میرزا گرفته شده به ابنیه ارگ سلطنتی (کاخ گلستان) الحاق می‌شود. برپایه مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و مقایسه تالار الماس و عمارت بادگیر (بناهای ضلع جنوبی کاخ گلستان) و همچنین بررسی عنصر اصلی این عمارت یعنی بادگیرها و راهروهای ارتباطی‌شان با حوض‌خانه، فرضیه‌ای جدید شکل گرفت ناظر بر آنکه بادگیرها و اتاق‌های گوشواره، از منضمات بنا در دوره ناصری هستند و مابین سال‌های ۱۲۷۳ تا ۱۲۷۴ق توسط علی‌خان حاجب‌الدوله به عمارت الحاق شده اند و نام عمارت بادگیر از آن زمان به این بنا اطلاق شده است. عمارت مذکور به تناسب کاربری آن در دوره‌های بعد نیز دستخوش تغییراتی شده است که در این پژوهش بدان پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی

عمارت بادگیر، حاجب‌الدوله، سیف‌الدوله، کاخ گلستان، قاجاریان.

احداث عمارت بادگیر کاخ گلستان با توجه به مدارک و اسناد موجود در دو برهه صورت گرفته است؛ دوره فتحعلی‌شاهی و دوره ناصری. این پژوهش دو مرحله را در بر می‌گیرد. ابتدا با شیوه اسنادی (کتابخانه‌ای) و بررسی منابع تاریخی اعم از نقشه‌ها، نقاشی‌ها، عکس‌ها، و... تعلق بنا به دوره فتحعلی‌شاه و حتی قبل از آن مشخص شده و در مرحله دوم که بر پایه پژوهش‌های میدانی استوار است و با مقایسه تالار الماس و عمارت بادگیر (بناهای جنوبی کاخ گلستان) و همچنین محل بادگیرها و عملکردشان و در نهایت تحلیل نقطه اتصال راهروهای بادگیرها به حوضخانه عمارت، فرضیه‌ای جدید شکل می‌گیرد که بر اساس آن بادگیرها و اتاق‌های گوشواره از الحاقات بعدی هستند که در دوره ناصری و مابین سال‌های ۱۲۷۳ تا ۱۲۷۴ ق توسط علی‌خان حاج‌الدوله ساخته شده است. البته این تغییرات در دوره‌های بعدی نیز ادامه یافته که به آن می‌پردازیم.

در مورد تاریخ احداث عمارت بادگیر دو پژوهش ارائه شده است. نخست، توسط پژوهشگر فقید مرحوم یحیی ذکاء، و دیگری صدیقه گلشن^۱. البته اکثر پژوهشگران در نوشته‌های‌شان از مطالب مرحوم ذکاء اقتباس کرده‌اند. مرحوم ذکاء در کتاب تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان (ذکاء، ۱۳۴۹: ۲۷۸). بدون ذکر هیچ منبع یا مأخذی این بنا را متعلق به دوره فتحعلی‌شاه معرفی می‌کند. اما گلشن در مقاله خود «گلستان باغ گلستان - ارگ تاریخی تهران» (گلشن، ۱۳۷۴: ۷۲۰-۷۵۹) ضمن بیان روند شکل‌گیری باغ گلستان، تاریخ احداث عمارت بادگیر را با دوره ناصرالدین شاه و به سال ۱۲۷۰ ق مرتبط می‌داند.

برای درک بهتر تحولات رخ داده در باغ گلستان، ناگزیر تاریخچه مختصری از کاخ گلستان تا پیدایش عمارت بادگیر ارائه می‌شود.

شاه طهماسب اول صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ق) نخستین پادشاهی بود که تهران را مورد توجه قرار داد و در سفرهایی که برای زیارت شاه عبدالعظیم به شهر ری می‌رفت، فرمان احداث بارویی بر گرد تهران با ۱۱۴ برج به تعداد سوره‌های

قرآن را می‌دهد. این حصار دارای چهار دروازه به اسامی دروازه شمیران، دولاب، قزوین، و شاه عبدالعظیم بود. شاه عباس بزرگ در سال ۹۹۸ ق در داخل حصار طهماسبی، چهارباغ و چنارستانی احداث می‌کند که بعدها دیواری بلند به دور آن کشیده و عمارات و مقر سلطنتی را داخل آن ساخته و نام ارگ بر آن نهادند. شاه سلیمان صفوی نیز کاخی در آن بنا نهاد. در پی افندی سفیر دولت عثمانی در دوره شاه سلطان حسین صفوی از بار یافتن خود در این مکان به سال ۱۱۳۴ ق گزارش داده است (ذکاء، ۱۳۴۹: ۳).

کریم‌خان زند به سال ۱۱۷۲ ق در دیوان‌خانه قدیم تهران (احتمالاً بنای دارالحکومه یا عمارت تخت مرمر) که زمان شاه سلیمان صفوی ساخته شده بود، بر تخت سلطنت جلوس کرده و بار عام داد (گلشن، ۱۳۷۴: ۷۲۷). «در تابستان هزار و صد و هفتاد و سه به واسطه بدی هوای تهران، کریم‌خان به شمیران رفته و حکم کرد در غیبت او بنای عمارت سلطنتی و دیوان‌خانه بزرگ و باغ جنب دیوان‌خانه و یک دست حرمخانه در تهران بنا کردند...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۸۴۴). «با توجه به موجودیت بنای سلطنتی قبل از صدور فرمان فوق که از متون تاریخی نقل شد، چنین استنباط می‌شود که عمارت سلطنتی، همان بنای دارالحکومه است که کریم‌خان زند قبل از این فرمان در آن به تخت سلطنت جلوس کرد و احتمالاً نیاز به تعمیر و بازسازی داشته است. دیوان‌خانه بزرگ، دیوان‌خانه کلاه فرنگی یا باغ فوقانی است و باغ جنب دیوان‌خانه، باغ تحتانی یا جنوبی تالار دورویی کریم‌خانی می‌باشد» (گلشن، ۱۳۷۴: ۷۲۸) در کتاب گلشن مراد که در تاریخ زندیه است نیز به این موضوع اشاره شده است (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۱۳۵) (تصویر ۱).

در دوره سلطنت آقامحمدخان قاجار توسعه باغ در سمت شرقی ارگ سلطنتی، که به صورت حیاطی مستطیل شکل در جوار باغ کریم‌خانی واقع بود اتفاق افتاد و قصر گلستان در میانه آن بنیان نهاده شد. همچنین صندوق‌خانه‌ای در این دوره برپا بوده که به بالاخانه آقا محمدخانی شهرت داشت. برجی نیز در منتهی‌الیه جنوب غربی باغ تحتانی ساخته شد که برخی بر این باور اند متعلق به کریم‌خان زند است



تصویر ۱. کروکی باغ گلستان، دوره کریمخان زند (۱۱۷۲-۱۱۹۳ق) (مأخذ: گلشن، ۱۳۷۴: ۷۲۶).

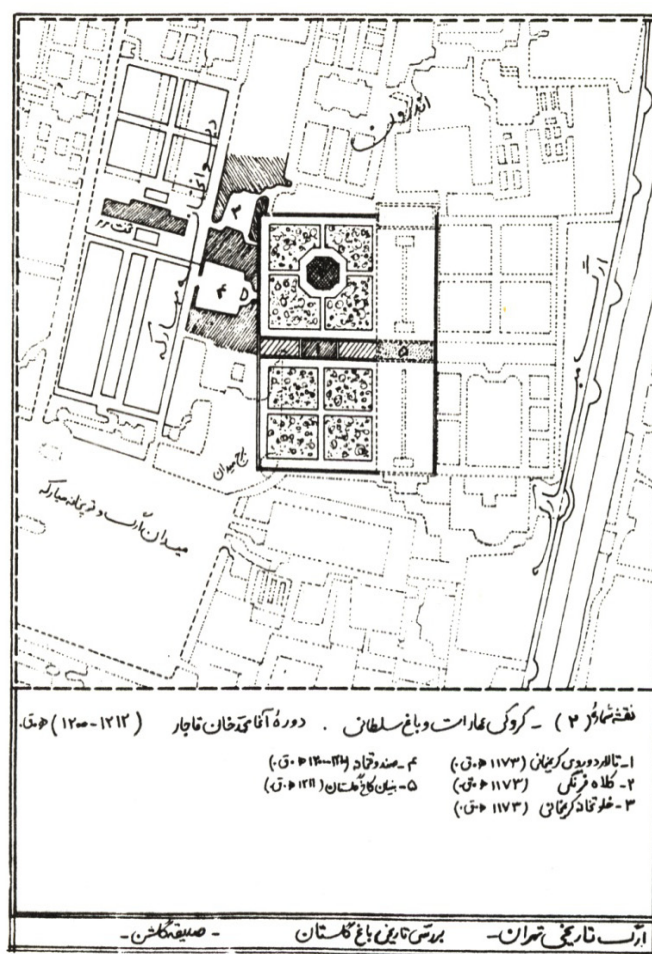
(تصویر ۲).

واقع شده و به واسطه قصر گلستان به دو بخش تقسیم

گردیده بود» (گلشن، ۱۳۷۴: ۷۲۶).

با توسعه باغ گلستان در کنار باغ کریمخانی، بناهای مهمی همچون کاخ بلور (برلیان فعلی)، گلستان (قصر گلستان) و صرح ممرد (تالار الماس) به ارگ سلطنتی افزوده شدند (رضاقلیخان هدایت، ۱۳۳۹: ۱۳۷). گلشن بر همین اساس و همچنین به نقل از روزنامه دولت علیه ایران (نمره ۵۷۹) و تعلق تالار الماس به دوره فتحعلی شاه (اعتمادالسلطنه، ۱۲۹۴ق؛ روزنامه ایران، نمره ۳۱۸)، نقشه‌ای ارائه کرده و تاریخ بنیان کاخ بلور (برلیان فعلی) و تالار الماس را همزمان با قصر (تالار) گلستان و به سال ۱۲۱۶ق تعیین کرده است.

در زمان حکومت فتحعلی شاه قاجار بنای قصر گلستان به اتمام رسید. میرزا صادق، وقایع‌نگار عهد فتحعلی شاه، در کتاب تاریخ رطب اللسان به توصیف عمارت گلستان - که آن را «زینت‌العمارات» نیز می‌گفتند - پرداخته و سحاب از شاعران آن زمان در قصیده‌ای تاریخ آن را به ابجد ۱۲۱۶ق ذکر کرده است (ذکاء، ۱۳۴۹: ۲۶۳-۲۵۸) «مشخصات قصر گلستان با توجه به روایت‌های تاریخی ایجاب می‌نماید که در امتداد تالار دوروی کریمخانی واقع شده باشد و دو باغ مشجری که میرزا صادق عنوان داشته همان بخش توسعه‌یافته آقامحمدخانی است که در کنار باغ کریمخانی



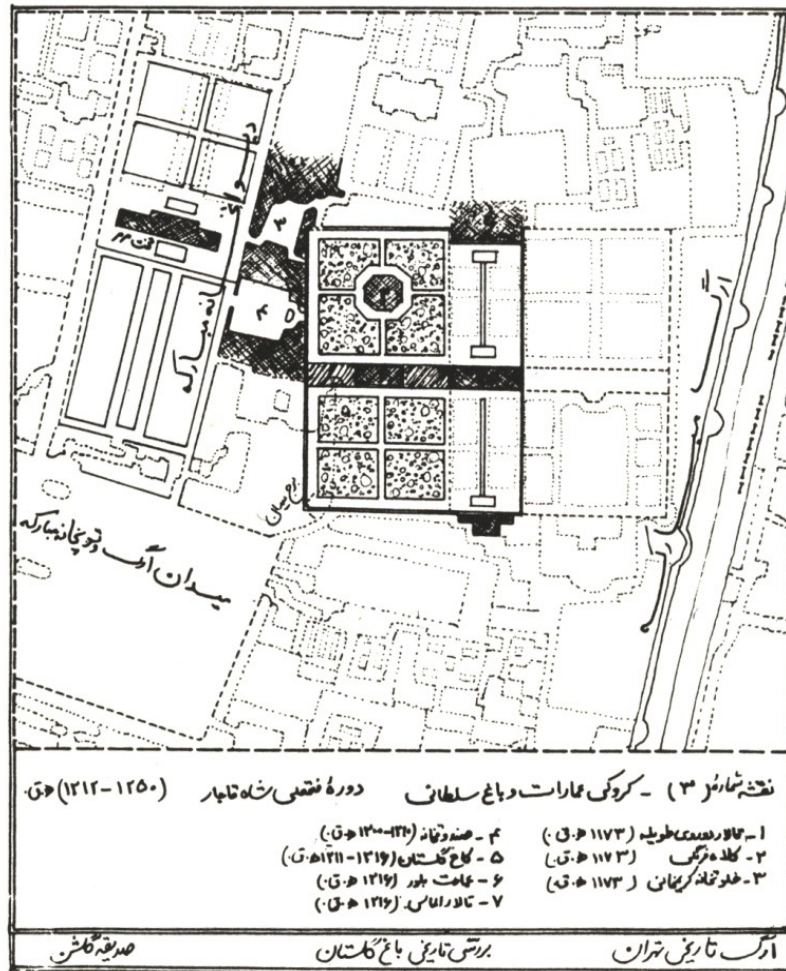
تصویر ۲. کروکی باغ گلستان، دوره آقا محمدخان قاجار (۱۲۰۰-۱۲۱۲ ق) (مأخذ: گلشن، ۱۳۷۴: ۷۲۹).

و تا سال ۱۲۷۵ ق ادامه می‌یابد. با صدارت امیرکبیر اقدامات وسیعی در ارگ آغاز می‌شود و در سال ۱۲۶۶ ق اراضی شرق باغ گلستان که در اختیار فرزندان آصف‌الدوله (سالار) بود به ارگ سلطنتی منضم می‌شود (آدمیت، ۱۳۴۸: ۸۲؛ رضاقلی‌خان هدایت، ۱۳۳۹: ۸۱۴-۸۱۵) صنیع‌الملک با ذکر احداث بناهای جدید از قبیل تالار خروجی و تالار بادگیر و بلورخانه و صورتخانه و اسلحه‌خانه، این خبر را تکمیل می‌کند (روزنامه دولت علیه ایران، ۱۲۸۲ ق: نمره ۵۷۹).

گلشن با استناد به خبر احداث موزه اسلحه در عمارت خروجی به سال ۱۲۷۰ ق (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷؛ مرآت البلدان، جلد ۲: ۱۱۸۷-۱۱۸۸)، و با ارائه عکسی قدیمی (عکس شماره ۱۱ آلبوم ۱۴۴، مرکز اسناد تصویری کاخ

این نقشه کاملاً با منطق سازگار است (تصویر ۳). در دوره محمدشاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴ ق) ساخت‌وسازهای اندکی در ارگ به وقوع پیوست لیکن در عمارات باغ گلستان تغییری ایجاد نشد.

گلشن تغییرات ارگ سلطنتی در پنجاه سال حکومت ناصرالدین شاه را به پنج دوره تقسیم می‌کند. او با توجه به نقشه‌ای (شیرازیان، ۱۳۹۱: ۱۵) از الیاس بره‌زین روسی (Lliya Nikolayevitch Berezin) ترسیم‌شده به سال ۱۲۶۸ ق (البته ۱۲۶۹ ق عنوان شده)، تأکید دارد که توسعه‌ای در باغ گلستان صورت نپذیرفته و بنابراین تغییرات در باغ گلستان از سال ۱۲۶۸ یا ۱۲۶۹ ق آغاز شده است. در اولین دوره که بین سال‌های ۱۲۶۸ یا ۱۲۶۹ ق آغاز



تصویر ۳. کروکی باغ گلستان، دوره فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ق) (مأخذ: گلشن، ۱۳۷۴: ۷۳۰).

عمارت بادگیر

تزیینات داخلی عمارت بادگیر، برخی از صاحب نظران من جمله مرحوم ذکاء را مجاب کرده که آن را منصوب به فتحعلی شاه قاجار بدانند. با اینکه هم در دوره ناصری و هم در زمان پهلوی دوم، بنا دستخوش تغییرات فراوانی شده است، خوشبختانه در هیچ یک از این دوره‌ها، تزیینات بنا تغییری نکرده و استادان مرمت‌گر به اصل تزیینات وفادار مانده اند. ضمناً در تصویری که از اوژن فلاندن (Eugène Flandin) نقاش و معمار و خاورشناس و سیاستمدار فرانسوی و معمار همراهش پاسکال کست (Pascal Coste) از میدان ارگ به جا مانده (با در نظر گرفتن زاویه دید نقاش و همچنین ارتفاع بادگیرهای عمارت مزبور) اثری از بادگیرها دیده نمی‌شود.

گلستان) که از وجود این موزه در کنار عمارت خروجی حکایت دارد، تاریخ احداث عمارت خروجی و بادگیر را سال ۱۲۷۰ ق تعیین می‌کند و بنیادشان را در راستای توسعه کاخ گلستان در سمت شرق می‌داند (تصویر ۴).

کلمه خروجی بدین معناست: «قسمتی از بعض اطاق‌ها که بیرون از سایر قسمت‌های بناست. قسمتی بیرون جسته از بنایی» (گلشن، ۱۳۷۴: ۷۲۳). با بررسی نقشه عمارت خروجی (گلشن، ۱۳۷۴: ۷۴۰) این نام‌گذاری کاملاً منطقی می‌نماید. لازم به ذکر است که بنای طولی که در این نقشه بر محور شرقی - غربی دیده می‌شود، شامل سه قسمت اصلی یعنی تالار دورویه کریم‌خانی در غرب، تالار یا قصر گلستان در وسط، و عمارت خروجی در شرق بوده است.



تصویر ۴. کروکی باغ گلستان، دوره اول ناصری (۱۲۶۹-۱۲۷۵ ق) (مأخذ: گلشن، ۱۳۷۴: ۷۳۶).

مغفور (فتحعلی شاه) به عنوان بانی عمارت بادگیر نبوده است. بلکه در چندین مورد، ساخت بنا را به پدرش، علیخان حاجب الدوله نسبت می دهد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷ ج ۳: ۱۵۸۵؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۱۱؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳ ج ۱: ۱۰۵) با وجود این مدارک استنباط می شود که این بنا در زمان ناصرالدین شاه و توسط حاجب الدوله ساخته شده باشد. اما جای تعجب است که مرحوم ذکاء اطلاعی از این موضوع نداشته و به آن نپرداخته باشد!

اما در نظریه گلشن نیز شبهاتی دیده می شود. اعتمادالدوله برای اولین بار به احداث موزه اسلحه در کاخ گلستان اشاره می کند: «...اطاقی مخصوص این اسباب ساخته و با کمال نظم

آن ها در سال ۱۸۴۰ م / ۱۲۵۶ ق یعنی زمان محمدشاه قاجار به ایران آمدند و در مدت بیش از دو سال علاوه بر گزارشی در زمینه آثار باستانی ایران، کتابی چند جلدی به نام سفر به ایران در پاریس منتشر کردند که این تصویر در آن کتاب آمده است (تصویر ۵).

رضاقلی خان هدایت در ذکر ابنیه ساخته شده توسط ناصرالدین شاه تا سال ۱۲۷۳ ق نامی از این بنا نمی برد. با اینکه حتی از ساخت دریاچه بزرگ کاخ گلستان که در آن کشتی کوچک کار می کند هم خبر می دهد (رضاقلیخان هدایت، ۱۳۳۹: ۸۱۵). اعتمادالسلطنه نیز نه تنها در روزنامه ایران (اعتمادالسلطنه، ۱۲۹۴ ق: نمرة ۳۱۸) نامی از خاقان



تصویر ۵. میدان ارگ در دوره محمدشاه قاجار (مأخذ: فلاندن، ۱۳۵۶).

میزها و غیره بسیار بقاعده و درست چیده اند از مسکوکات خیلی قدیم و از اشیای غریبه که از زیرزمین‌ها در آمده است بسیار دارد طرف چپ این تالار باز عمارتی است که محل صندوق‌خانه و رخت‌دارخانه خاصه همایونی است که جواهر و اشیاء گران بها گذاشته شده» (روزنامه ایران، ۱۲۹۴ق: نمره ۳۱۸) با کمی دقت در مطالب روزنامه‌های وقایع اتفاقیه به سال ۱۲۷۰ق و ایران به سال ۱۲۹۴ق در مورد موزه، مشخص می‌شود که در ابتدا فقط اسلحه‌ها در آن چیده شده بودند و طی سالیان بعد، تنوع اشیاء موزه بیشتر شده و موزه گسترش یافته است. این موضوع را در خبر صنایع‌الملک (روزنامه دولت علیه ایران، ۱۲۸۲ق: نمره ۵۷۹) بهتر می‌توان درک کرد؛ یعنی زمانی که از بی قرینه بودن تالار بلور و گلستان و الماس سخن می‌گوید، از تأسیس بناهای جدید من جمله تالار خروجی، تالار بادگیر، بلورخانه، صورت‌خانه و اسلحه‌خانه اشاره می‌شود. که سه قسمت اخیر همان قسمت‌های توسعه یافته موزه اسلحه هستند که

و آراستگی آلات حرب در آنجا چیده شود» (اعتمادالدوله (میرزا آقاخان نوری)، ۱۲۷۰ق: روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۱۸۵) همان گونه که مشاهده می‌شود او فقط از اتاقی نام می‌برد که اشیاء در آن چیده شده اند. ولی مشخص نمی‌کند که این اتاق در کجای کاخ گلستان قرار دارد. البته با توجه به عکسی که گلشن ارائه کرده، محل آن را در عمارت خروجی می‌داند. بنابراین به بررسی دقیق تر این موضوع می‌پردازیم. اعتمادالسلطنه در مورد تالار (قصر) گلستان می‌نویسد: «...طرف دست راست این تالار اطاق‌ها و تالارهایی است که در این اوقات مخصوص موزه دولتی شده است (لفظ موزه از لغت فرانسه اخذ شده یعنی جایی که اسباب نفیسه و غریبه و عجیبه گذاشته می‌شود) در این موزه بسیار اسباب نفیس گران بها گذاشته شده از قبیل جواهر دولتی و غیر دولتی و اسلحه قدیم و جدید از هر قبیل و از هر جور از انواع زرگری‌های طلا و نقره و ظروف و اشکال و بسیار عمارت طولانی قشنگ پاکیزه‌ایست و همه اسباب‌ها را در روی

در اتاق‌های سمت راست تالار گلستان قرار داشته اند و در سال‌های بعد به آن افزوده شده اند.

رضاقلی‌خان هدایت ذیل ذکر مجملی از اوضاع چراغان و آذین میدان درب بارگاه حضرت شاهنشاه، در سال ۱۲۷۳ق می‌نویسد: «علی‌الجملة سه شب آن شور و شعب در شهر و کوی و سراها و میادین مقرر بوده... بروز شانزدهم این ماه میمون سفرای دول متحابه خارجه از روم و روس و انگلیس و فرانسه (فرانسه) و صاحب‌منصبان و تبعه آنان را جناب جلالت‌نصاب نظام‌الملک در عمارت باغ بر خوان و داد دعوت کرد و بدان مضیف منیف حاضر شدند در آغاز ورود در عمارت جنوبی وقوف کردند (تالار الماس) مغنیان و مطربان بنیاد نواسازی و چنگ‌نوازی نهادند و میهمانان در آن مجلس عالی چای و قهوه آشامیده پس از وزرای مختار و وزیر دول خارجه و امرای بزرگ دربار بطالار دورویه (قصر یا تالار گلستان)^۲ که بحکم جناب میزبان بمیز و صندلی و دستارخوان طعام‌ها و شراب‌های گوناگون رنگارنگ مشحون بود رفته جابر جا نشستند و بر سر خوان اطعمه الوان باظهار و داد. مواسات و مصافات و مهربانی و خوشنودی بر یکدیگر سبقت گرفتند

و مجلس را گرم داشتند...» (رضاقلی‌خان هدایت، ۱۳۳۹ ج ۱: ۸۰۶ - ۸۰۷؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷ ج ۲: ۱۲۷۱). با توجه به اینکه روضة الصفاى ناصرى وقایع ۱۰ سال نخست سلطنت ناصرالدین‌شاه را شامل می‌شود (۱۲۶۴-۱۲۷۳ق)، مطلب ارائه‌شده مؤید آن است که بناهایی همچون عمارت خروجی و بادگیر یا ساخته نشده اند و یا در مراحل ساخت قرار داشته اند. زیرا در صورت آماده بودن، قاعدتاً باید برای چنین جشن بزرگی مورد استفاده قرار گرفته باشند. همان‌گونه که در مراسم جشن سال ۱۲۸۸ق که با حضور کورد دیپلوماتیک^۲ در ارگ سلطنتی برگزار شده، مدعوین پس از ورود ابتدا به عمارت بادگیر رفته و سپس برای صرف شام در شمس‌العماره حاضر می‌شده اند و در انتهای جشن نیز به عمارت خروجی رفته و ضمن پذیرایی، نظاره‌گر مراسم آتش‌بازی بوده اند (روزنامه ایران، نمرة ۵۱). حال درمی‌یابیم که چرا رضاقلی‌خان هدایت در روضة الصفاى ناصرى سخنی از بناهای خروجی و بادگیر به میان نیاورده است. اولین تصاویر تاریخ‌دار از عمارت بادگیر، دو نقاشی از محمودخان ملک‌الشعرا به سال‌های ۱۲۷۸ق و ۱۲۸۱ق است. نقاشی‌ها از



تصویر ۶. عمارت بادگیر، نقاشی محمودخان ملک‌الشعرا، ۱۲۷۸ق (مأخذ: موزة نگارخانه کاخ گلستان).



تصویر ۷. عمارت بادگیر، نقاشی محمودخان ملک الشعراء، ۱۲۸۱ق (مأخذ: موزه نگارخانه کاخ گلستان).

آن دوره از قبیل لوئیجی پشه (Luigi Pesce)، کارلهمیان (Attributed to Frances Carlhian)، آنتونیو جیانوزی (Antonio Giannuzzi) و یک دو عکاس دیگر وجود دارد. در این آلبوم دو قطعه عکس از عمارت بادگیر دیده می‌شود (تصاویر ۸ و ۹).

دو زاویه متفاوت کشیده شده اند (تصاویر ۶ و ۷). موزه متروپولیتن نیز در وبگاه خود تعداد بی‌شماری عکس، از اشیاء متعلق به ایران را قرار داده است. یکی از این اشیاء آلبوم عکسی متعلق به ویلکینسون (Wilkinson) است. در این آلبوم عکس‌هایی متعلق به دوره قاجار و عکاسان



تصویر ۸. عمارت بادگیر (مأخذ: آلبوم ویلکینسون، موزه متروپولیتن).



تصویر ۹. عمارت بادگیر (مأخذ: آلبوم ویلکینسون، موزه متروپولیتن).

بزرگی در آن برگزار می‌شود و در تصاویر نیز وقوع تغییرات عمده ای در آن به چشم می‌خورد، ولی باز هم نه از مراحل و نحوه ساخت و نه از تغییرات به وجود آمده در آن گزارشی وجود ندارد؟ و فقط اعتمادالسلطنه ساخت آن را به پدرش نسبت می‌دهد.

طرح فرضیه‌ای جدید

نگارنده با بررسی اسناد و مدارک دوره قاجار، فرضیه‌ای جدید در این باب ارائه می‌کند ناظر بر آن که: این بنا متعلق به دوره فتحعلی‌شاه است، ولی جزء بناهای ارگ سلطنتی نبوده است. بر طبق نقشه‌های موجود از ارگ تاریخی تهران، تقریباً بیش از یک سوم این فضا، به دارالحکومه و محل سکونت شاه اختصاص داشته است و مابقی متعلق به افراد وابسته و غیر وابسته به دربار بوده است. «تمام زمین ارگ به شاه تعلق دارد؛ وی محق است که هر وقت میل کند هر جایی را بدون پرداخت غرامت برای ساختمان در آن قطعه زمین تملک کند و البته باید گفت که به‌ندرت از این امتیاز خود

با کمی دقت تشخیص داده می‌شود که این عکس‌ها قدیمی‌تر از نقاشی‌های محمودخان است زیرا اولاً بر روی برج‌های بادگیر نقاشی‌ها، قبه‌ای کوچک وجود دارد که در عکس‌های آلبوم ویلکینسون مشاهده نمی‌شود و ثانیاً در پیشانی شیروانی عکس‌های آلبوم ویلکینسون نقاشی شیر و خورشید دیده می‌شود ولی نقاشی‌های محمودخان، این تصویر وجود ندارد.

اعتمادالسلطنه چندین بار گفته که بادگیر توسط پدرش ساخته شده است. با توجه به اینکه علیخان حاج‌الدوله از سال ۱۲۶۷ ق لغایت ۲۳ محرم ۱۲۷۵ ق یعنی ابتدای سال مذکور، اداره و اختیار عمارات دیوانی را بر عهده داشته، استنباط می‌شود که این عمارت در بین سال‌های ۱۲۷۳ تا ۱۲۷۴ ق ساخته شده باشد. لیکن هیچ خبری از ساخت بنا در مدارک آن زمان مشاهده نمی‌شود.

چرا در هیچ منبعی از ساخت و یا وجود بنایی با دارا بودن چنین تزیینات زیبای متعلق به دوره فتحعلی‌شاه خبری نیست؟ چرا در دوره ناصری نیز با آنکه مراسم مختلف و

استفاده می‌کند. به همین دلیل قیمت این املاک از آن جهت که ممکن است مصادره شود بسیار اندک است» (پولاک، ۱۳۶۱: ۷۱) و همچنین می‌خوانیم: «تا آنجا که من می‌دانم این امر دوبار اتفاق افتاده؛ پس از طغیان بی‌سرانجام سالار تمام خانه‌های خانواده سالار و کلیه متعلقاتش با خاک برابر شد و زمین آن ضبط گردید. دیگر در حین آخرین جنگ انگلیس و ایران قصر شاهزاده سیف‌الدوله که تحت‌الحمايه انگلیس بود برای توسعه اقامتگاه سلطنتی مورد استفاده واقع شد. پس از عقد قرارداد صلح هم دیگر انگلیسی‌ها نتوانستند ادعائی بکنند زیرا حق مالکیت پادشاه نسبت به این زمین‌ها معتبر بود» (پولاک، ۱۳۶۱: ۷۱، پاورقی) از آن جهت که تمام بناهای آصف‌الدوله تخریب شده بود، نمی‌توان احتمال داد که بنایی از او باقی مانده باشد. ولی قصر سیف‌الدوله ظاهراً برای توسعه کاخ گلستان از او گرفته می‌شود، پس می‌توان استنباط کرد که این قصر در کاخ باقی مانده باشد.

سیف‌الدوله میرزا^۴ فرزند علی‌شاه میرزا ظل‌السلطان^۵ بود. مرگ فتح‌علی‌شاه و اختلافاتی که بین جانشین او و مدعیان سلطنت روی داد، سبب شد که علی‌شاه ظل‌السلطان خود را شاه ایران بنامد و با کمک سفارت انگلیس به نام خود سکه بزند و به قولی ۴۰ یا ۹۰ روز شاه ایران باشد. ولی پس از شکست قوای او از محمدشاه، فرزندانش از ترس عقوبت و کشته شدن خود را در پناه انگلیس قرار دادند. سیف‌الدوله در ارگ تاریخی سکنا داشت و مانند سایر شاهزادگان از همه مزایای خاندان سلطنتی برخوردار بود. لیکن در سال ۱۲۷۳ق که سفارت انگلیس به دلیل کدورت بین دولتین تعطیل شد، بار دیگر موضوع تحت‌الحمايه او مطرح و باعث اخراجش از ایران شد (امین‌الدوله، ۱۳۵۸: ۲۵۵-۲۵۶). همین که حاجی سیف‌الدوله و سایر اتباع و تحت‌الحمايگان انگلیس به بغداد عزیمت کردند، ناصرالدین شاه دستور داد خانه او را مصادره کنند. همین امر باعث شد تا استیونس کنسول انگلیس نامه‌ای به وزارت امور خارجه نوشته و اعتراض خود را به این کار اعلام کند. صدراعظم نیز در جواب او نوشت: «...اراضی ارگ کلاً تعلق به دولت دارد و الآن احدی را اختیار دخل و تصرف در آن به جز وجود ذی‌جود مبارک همایون روحی

فداه نیست و کسی در ارگ مالک اراضی خانه نبوده و نخواهد بود و همین خانه‌ها در عهد خاقان مغفور از برای مرحوم محمدعلی میرزا^۶ و بعد به جهت مرحوم نایب‌السلطنه^۷ ساخته و معین شد. آنها که به محل ماموریت و حکومت رفتند، خانه حکومتی و دارالخلافه شد و مرحوم ظل‌السلطان در آنجا نشست و بعد از رفتن ظل‌السلطان و جلوس همایون داخل انبار و به یک ملاحظه ضبط دیوان شد... حالا چطور شد که حاجی سیف‌الدوله مالک حقیقی آن عمارت شد؟ هیچوقت نه مرحوم ظل‌السلطان و نه خود حاجی سیف‌الدوله این خیال را کرده بودند و اگر در این خیال بودند، می‌خواستند در عهد شاه مرحوم یا در این دولت حرفی بزنند و بگویند چرا انبار را در آنجا قرار داده اند، نیست این مگر از هرزگی و بهانه جوئی استیونس» (امین‌الدوله، ۱۳۵۸: ۱۲۵-۱۲۶). نام سیف‌الدوله در نقشه‌های کرشیش ۱۲۷۵ق و (KrshysAugust) و عبدالغفار ۱۳۰۹ق در اراضی جنوبی ارگ سلطنتی دیده می‌شود (شیرازیان، ۱۳۹۱: ۲۱ و ۴۳). اعتمادالسلطنه نیز از کدورت بین دولتین ایران و انگلیس در سال ۱۲۷۳ق مطالبی بیان کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷ج ۲: ۱۲۷۵).

فرض تعلق این بنا به سیف‌الدوله میرزا (رو به جنوب بودن آن)، با توجه به عکس‌های دوران قاجار و همچنین تابلوهای محمودخان ملک‌الشعرا از عمارت، که در آن پلکانی در کنار در ورودی غربی برای دسترسی به طبقات بالا تعبیه شده، قابل استناد است. زیرا معمولاً این نوع پله‌ها در پشت بنا ساخته می‌شدند تا دور از چشم باشند. ولی زمانی که تغییرات عمده در عمارت آغاز می‌شود و روی آن به سمت باغ (شمال) تغییر جهت می‌دهد، پله‌ها نیز به پشت بنا و به حیاط کوچک منتقل می‌شود، که این امر باعث مسدود شدن پنجره‌های شرقی - غربی شاه‌نشین عمارت و جایگزینی کانال‌هایی برای تهویه هوای تالار به جای پنجره‌های مذکور می‌شود که هم اکنون نیز وجود دارند. مظفرالدین‌شاه نیز بعد از ورود به تهران و زیارت مزار پدرش، در تکیه دولت از همین پله‌ها برای ورود به تالار عمارت بادگیر و انجام مراسم جلوس بالا می‌رود (سالور، ۱۳۷۱: ۱۰۰۵-۱۰۰۶). این موضوع در عکس دهم آلبوم ۱۴۴ و همچنین عکس



تصویر ۱۰. حیاط پشتی عمارت بادگیر (مأخذ: مرکز اسناد تصویری کاخ گلستان، آلبوم ۱۴۴، عکس ۱۰).

نمره ۲۶۰).

با توجه به اینکه هیچیک از قصرهای قاجاری دارای بادگیر (لاقل بر روی بدنه بنا) نبوده اند، و از طرفی تالار اصلی عمارت بادگیر نیز به سبب وجود ارسی ها و پنجره هایی در دو طرف و همچنین حوض هایی در شمال و جنوبش و به تبع آن جابه جایی هوا خنک بوده است و نیز از آنجا که

چهارم آلبوم ۹۸۱ موجود در آلبوم خانه سلطنتی کاخ گلستان قابل رؤیت است (تصاویر ۱۰ و ۱۱). ضمناً در سال ۱۲۷۲ ق نیز از شیخ عبدالحسین، مجتهد آن دوره برای نماز گزاردن در تمام عمارات دیوانی ارگ که مجهول الحال بودند، اجازه شرعی گرفته می شود و بدین صورت زمینه برای گرفتن کاخ سیفالدوله هموار می شود (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۲۷۲ ق:

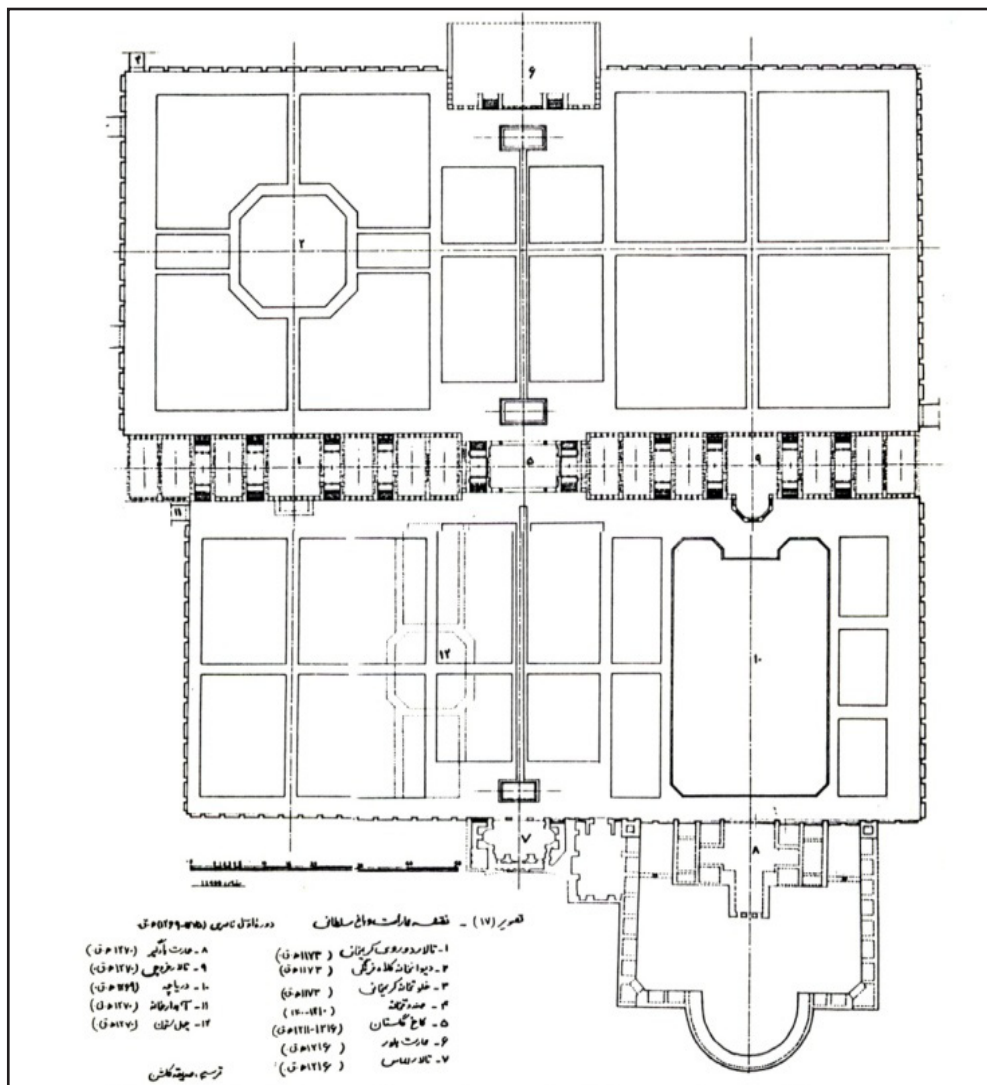


تصویر ۱۱. حیاط پشتی عمارت بادگیر (مأخذ: مرکز اسناد تصویری کاخ گلستان، آلبوم ۹۸۱، عکس ۴).

در محدوده ارگ هیچ بنایی نمی‌توانسته بلندتر و باشکوه‌تر از بناهای شاه باشد، پس می‌توان نتیجه گرفت که این بنا از ابتدا دارای این چنین بادگیرهایی نبوده و این فرضیه با نقاشی به‌جامانده از اوژن فلاندن که بادگیرهای عمارت مذکور در آن دیده نمی‌شوند، مطابقت دارد (تصویر ۱۲).

یکی از عمارت‌های قسمت جنوب ارگ سلطنتی، تالار الماس است. پلان این بنا تا حدود زیادی با عمارت بادگیر شباهت دارد. به جز آنکه دو اتاق گوشواره شرقی و غربی عمارت بادگیر - که به ظاهر بعداً به آن ملحق شده اند - در این بنا دیده نمی‌شود.

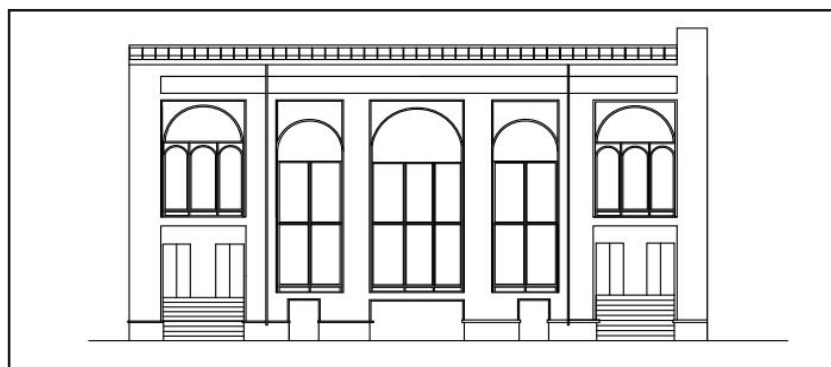
در تصاویر ارائه‌شده (تصاویر ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶) مشاهده می‌شود که طرز قرار گرفتن اتاق‌ها، تالار، و حتی حوضخانه این دو بنا کمابیش مانند یکدیگر است. پس علت اضافه شدن اتاق‌های گوشواره چیست؟ بررسی پلان عمارت نشانگر آن است که بادگیرها توسط کانال‌هایی به حوضخانه متصل شده اند. کانال‌های برج‌های شمالی به صورت خطی مستقیم، و کانال‌های برج‌های جنوبی با قوسی منحنی به حوضخانه می‌رسند (تصویر ۱۷). اگر اتاق‌های گوشواره نبودند، کانال‌های شمالی به زیر پله‌های ورودی بنا که در زیرزمین محل پله‌های ورودی حوضخانه است، برخورد می‌کردند که



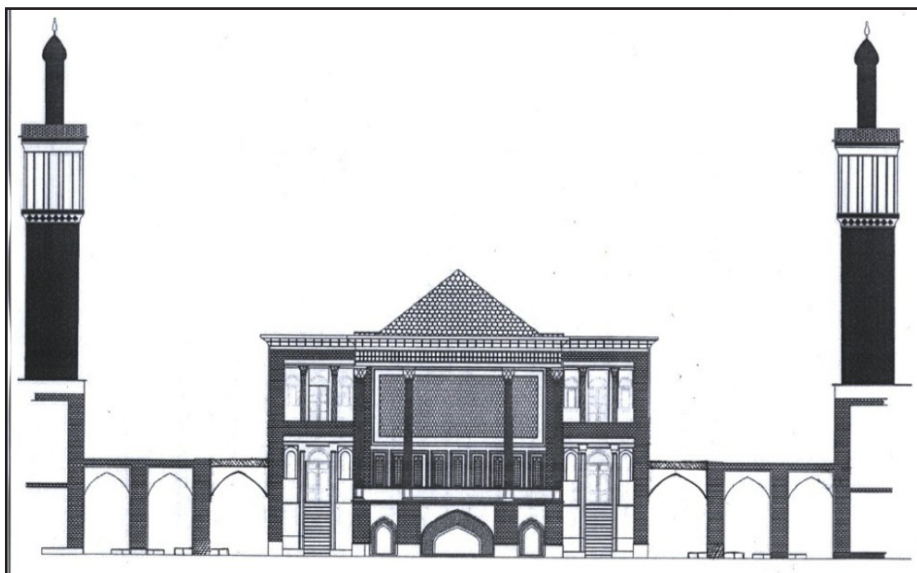
تصویر ۱۲. نقشه عمارت خروجی و باغ گلستان مقیاس ۱:۴۰۰ (ترسیم از: مهندس صدیقه گلشن، گلشن، ۱۳۷۴: ص ۷۴۰).



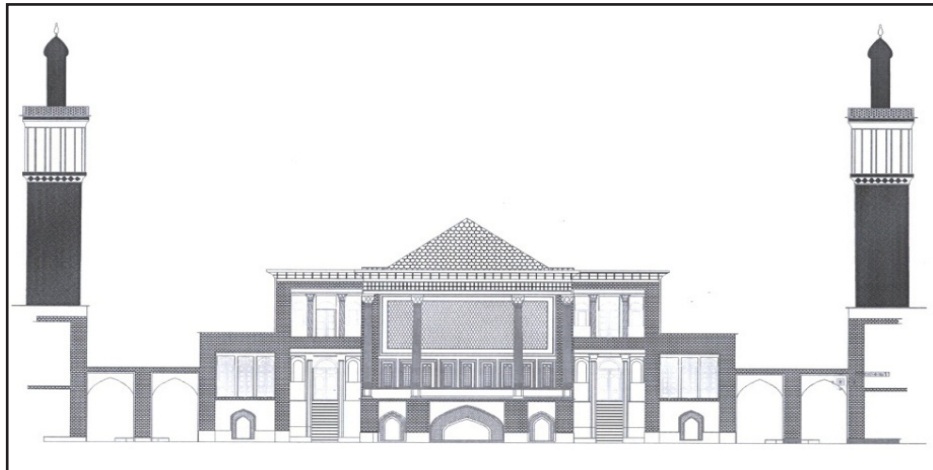
تصویر ۱۳. نمای عمارت بادگیر به همراه بادگیرها (مأخذ: آرشیو دفتر فنی کاخ گلستان).



تصویر ۱۴. نمای تالار الماس (مأخذ: آرشیو دفتر فنی کاخ گلستان).



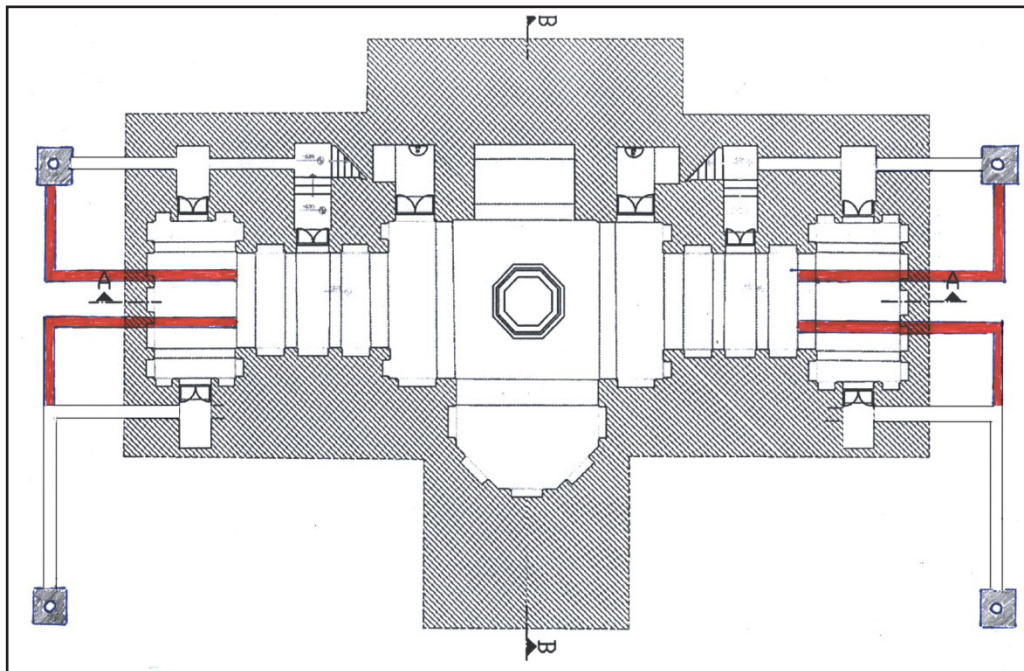
تصویر ۱۵. نمای عمارت بادگیر بعد از حذف اتاق‌های گوشواره توسط نگارنده (بادگیرها حذف شده است) (مأخذ: آرشیو دفتر فنی کاخ گلستان).



تصویر ۱۶. نمای عمارت بادگیر قبل از حذف اتاق‌های گوشواره توسط نگارنده (بادگیرها حذف شده است) (مأخذ: آرشیو دفتر فنی کاخ گلستان).

این امری محال است. بنابراین معمار با افزودن اتاق‌های گوشواره نه تنها به زیبایی بنا افزوده، بلکه محلی را نیز در حوض‌خانه تعبیه کرده تا کانال‌های بادگیرها به آن منتهی شوند. اگر این کار صورت نمی‌گرفت یا باید برج‌های شمالی و جنوبی با کانال‌های قوسی به زیرزمین وصل می‌شدند و یا محل بادگیرها تغییر می‌کرد که از نظر زیبایی‌شناسی مقبول

شاه قاجار واقع نمی‌شد. حال علت ساخت بادگیرها را بررسی می‌کنیم. بادگیرهای جدا از بنا، در مناطق کویری ایران متداول هستند. بادگیرها با یک کانال زیرزمینی که در قسمت فوقانی آن، روی سطح زمین باغچه‌ای قرار دارد، به حوضخانه در زیرزمین بنا متصل می‌شوند. بعد از آبیاری باغچه، رطوبت آن به دیوارهای



تصویر ۱۷. پلان حوض‌خانه عمارت بادگیر، نگارنده مسیر فعلی کانال‌های بادگیرها را با رنگ روشن و مسیر کانال‌ها را در صورت عدم وجود اتاق‌های گوشواره، با رنگ تیره مشخص کرده است (مأخذ: آرشیو دفتر فنی کاخ گلستان).

کانال ارتباطی نفوذ می‌کند و بادی را که از بادگیر به سمت ساختمان جریان دارد خنک‌تر می‌کند. لیکن این نوع بادگیر در تهران فقط در این بنا مورد استفاده قرار گرفته است و دور از ذهن است که باور کنیم حاجب‌الدوله بادگیرهایی بسازد که کارکردشان صرفاً خنک کردن هوای حوض‌خانه باشد. بادگیرهای این عمارت، با ارتفاع بلند و تزئینات کاشی معرق (که در دنیا بی‌نظیر اند)، همه نشانگر اهمیت‌شان برای سازنده آن هستند. نیت حاجب‌الدوله در ساخت این نوع بادگیر و متعاقب آن اتاق‌های گوشواره، نشان دادن شکوه و عظمت بنای شاهی است. این موضوع توسط پسرانش (اعتمادالسلطنه و ادیب‌الملک) به عنوان ساخت عمارت بیان شده است.

بعد از مدتی با توجه به تغییر کاربری بنا، محل ارسی‌ها با ستون‌ها جابه‌جا شده است (که هم اکنون نیز در تالار عمارت قابل مشاهده است) و ورودی بنا نیز به حیاط پشتی منتقل شده است. نمای شمالی بنا نیز با پنجره پوشیده شده و اتاق‌هایی را به وجود می‌آورده‌اند و شیروانی‌های عمارت نیز افزایش یافته است. در قسمت شرق بنا نیز، عمارتی جدید احداث می‌شود. ضمناً نقاشی پیشانی شیروانی، که در عکس‌های

آلبوم ویلکینسون دیده می‌شود، پاک شده و به همان صورت درمی‌آیند که در نقاشی‌های محمودخان ملک‌الشعرا وجود دارند، و سپس با تغییرات جدید، نقوش نیز تغییر می‌یابند. تخته سنگی در شمال بنا و کنار حوض وجود داشته که تا سال ۱۲۷۸ق در عکس‌ها و نقاشی محمودخان ملک‌الشعرا دیده می‌شود ولی در نقاشی محمودخان ملک‌الشعرا متعلق به سال ۱۲۸۱ق دیده نمی‌شود. این تغییرات در عکسی که عبدالله قاجار از روی عمارت شمس‌العماره انداخته مشهود است (تصویر ۱۸).

فووریه (Zhvans Fvryh) می‌نویسد:

عمارَت بادگیر را به این جهت به این اسم خوانده‌اند که چهار بادگیر در چهار طرف آن به شکل برج درست کرده‌اند. سمت چپ آن قوش‌خانه است که حالیه متروک افتاده و سمت راست آن زین‌خانه (چادرخانه فعلی) است که پر از زین و یراق‌های معرق است و آنها را تا سقف بر روی هم چیده‌اند. نمای جلوی آن که عریض است و پنجره‌های شیشه‌ای دارد متوجه باغ گلستان است ولی پلکان مرمر آن که از آن جا باید به اطاق‌ها راه یافت در داخل حیاطی است که در آن



تصویر ۱۸. نمای عمارت بادگیر از فراز شمس‌العماره (مأخذ: مرکز اسناد تصویری کاخ گلستان، آلبوم ۲۰۹، عکس ۶).

نامیده است.

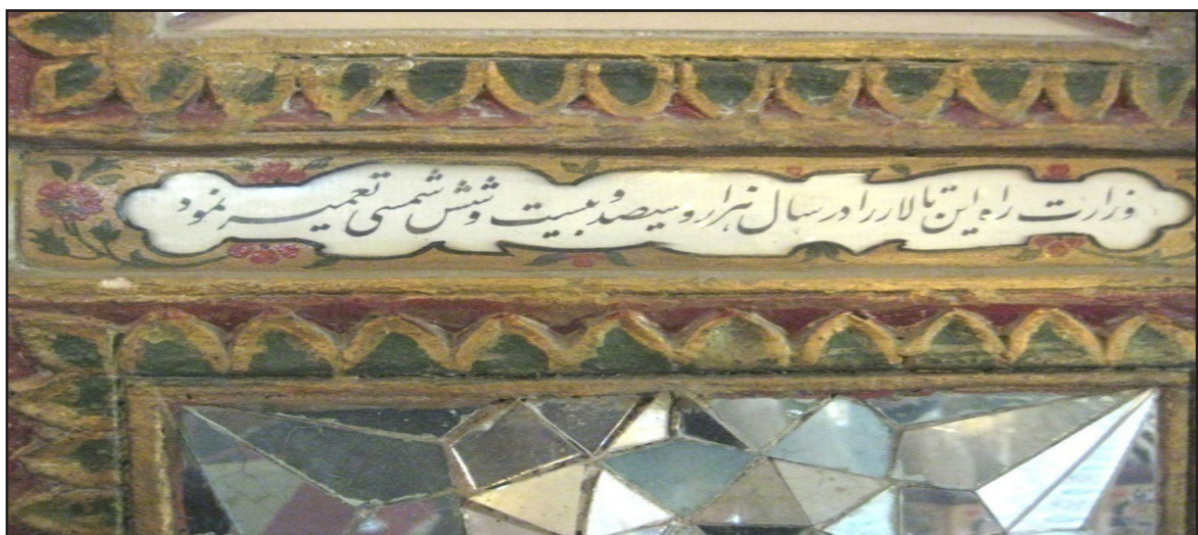
بر اساس کتیبه‌ای که در تالار شاه‌نشین عمارت بادگیر وجود دارد این بنا در سال ۱۳۲۶ش توسط وزارت راه مرمت شده است (تصویر ۱۹) و نقشه وزارت فرهنگ و شهرداری تهران نیز که توسط سرهنگ محمدرضا غفاری به سال ۱۳۲۳ش کشیده شده، به حضور اجزای وزارت راه در این بنا صحه می‌گذارد. در آن زمان اتاق‌های عمارت کارکرد اداری پیدا کرده و نقاشی‌ها زیر اندود گچ می‌روند و متعاقب آن ایوانی در قسمت شمالی و جلوی پنجره‌های ارسی اضافه می‌شود که بدین ترتیب راه ورود به حوض‌خانه نیز تغییر می‌کند.

در بین سال‌های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ش این بنا با توجه به طرح‌های اولیه که مبتنی بر نقاشی‌های محمودخان ملک‌الشعرا بود، توسط مرحوم استاد پیرنیا و همکارانشان من جمله آقای مهندس میرعمادی^۴ مرمت و بازپیرایی شد (تصویر ۲۰). نقاشی‌های اتاق‌ها از زیر گچ‌ها خارج شدند، ستون‌های ایوان که از جنس چوب و گچ و فرسوده بودند از سنگ تراشیده شدند، بخشی از کاشی‌های کف و دیوارها که از بین رفته بودند ساخته و نصب شدند، و حوض‌خانه به طرز بسیار زیبایی آجرکاری شد. نهایتاً یکی از برج‌های بادگیر که خراب شده بود (تصویر ۲۱) دوباره ساخته شد. البته این

در طرف راست عمارت قرار گرفته. در انتهای همین حیاط کارخانه‌های الماس تراشی سلطنتی قرار دارد و من در آن جا قطعات ناهموار الماس زردی را که از کاپ می‌آورند و در همین سفر اخیر در اروپا خریده شده بود در دست الماس‌تراشان دیدم. تقسیمات این عمارات تقریباً در همه به یک شکل است. همه تالاری دارند و اتاق‌هایی کوچکتر. به همین وضع تزئین داخلی آنها هم به یکدیگر شبیه است و در میان آنها غلبه با چهل چراغ و آویزهای بلوری و آیینه‌های کوچک که در دیوار نصب کرده اند با گچبری‌های بسیار زیبا و قباب عکس. در عمارت بادگیر یک عده مجالس نقاشی عالی وجود دارد که کار هنرمندان ایرانی است و انسان از دیدن آنها به میزان صبر و حوصله و مهارت ایشان پی می‌برد و دچار اعجاب می‌شود» (فووریه، ۱۳۸۵: ۱۱۴-۱۱۵).

اوژن فلاندن نیز در کتابش به علاقه سیف‌الدوله میرزا به نقاشی اشاره کرده است (فلاندن، ۱۳۵۶: ۴۲۸).

بعد از ترور ناصرالدین‌شاه توسط میرزا رضا کرمانی، عمارت بادگیر مدتی محل جلوس صدراعظم بوده است (ظهیرالدوله، ۱۳۵۱: ۳۷ و ۴۰). به همین دلیل است که تروفیموف (Trvfymvf) طراح روس در نقشه‌ای^۵ که از محوطه کاخ گلستان برداشته، حیاط عمارت بادگیر را «حیاط وزرا»



تصویر ۱۹. کتیبه داخل تالار شاه‌نشین عمارت بادگیر (عکس از: نگارنده).



تصویر ۲۰. عمارت بادگیر در حال مرمت بین سال‌های ۱۳۴۹-۱۳۵۰ ش (مأخذ: مجموعه عکس‌های آقای مهندس میرعمادی).



تصویر ۲۱. عکس هوایی از کاخ گلستان در اواخر حکومت قاجار بعد از سلطنت مظفرالدین‌شاه (مأخذ: مرکز اسناد تصویری کاخ گلستان).

بنا در سال‌های پس از انقلاب نیز در راستای استحکام بخشی مرمت شده است که قابل تقدیر و احترام است و امید می‌رود با تداوم مرمت‌های اصولی، این بنای تاریخی به مثابه میراثی ارزنده برای آیندگان باقی بماند.

نتیجه‌گیری

عمارت بادگیر، از بناهای ارگ تاریخی تهران است که ابتدا در عهد فتحعلی‌شاه، در تملک محمدعلی‌میرزا دولت‌شاه قرار داشته و سپس مورد استفاده نایب‌السلطنه، عباس‌میرزا قرار گرفت. بعد از این دو، نوبت به ظل‌السلطان علی‌شاه‌میرزا رسید که در آنجا سکنا گزیند و سرانجام نیز جزء مایملک پسرش سیف‌الدوله‌میرزا شود. این بنا پس از کدورت به وجود آمده بین دولتین ایران و انگلیس در سال ۱۲۷۳ ق به واسطه تحت‌الحمايه انگلیس بودن سیف‌الدوله از او گرفته می‌شود. بنابراین تاریخ دقیق ساخت آن را نمی‌توان تعیین کرد. زیرا از ابنیه سلطنتی نبوده و به همین دلیل نیز در اسناد آن زمان گزارشی از ساخت آن وجود ندارد. این بنای ارزشمند، به خاطر مسائل سیاسی ولی ظاهراً در هنگام توسعه ارگ سلطنتی به تملک ناصرالدین‌شاه درآمد و پس از تغییرات عمده و ساختن بادگیرهایی بی‌نظیر توسط علی‌خان حاجب‌الدوله، توسط شاه از آن بهره‌برداری شد.

عمارت بادگیر کاخ گلستان که یکی از ارزنده‌ترین بناهای این مجموعه میراث جهانی است، پس از تغییرات فراوان در زیر ساخت‌ها و کاربری‌ها، همچنان پا برجاست و این خود اهمیت این بنا را دو صد چندان می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، گروه تاریخ معماری و مرمت ابنیه و بافت‌ها.
۲. اتباع سفارتخانه‌های دول متحابه و متعاهد با دولت علیه ایران.
۳. منظور از تالار دورویه قطعاً قصر (تالار) گلستان است نه تالار دورویه کریمخانی زیرا در آن تاریخ بر اساس مدارک، عمارت شاخصی جز تالار الماس در قسمت جنوبی کاخ گلستان وجود نداشته و تالار الماس نیز روبه‌روی تالار گلستان واقع بوده است. از طرفی چون این تالار به دست سلاطین قاجار ساخته شده بود

۴. احتمالاً میهمانان به آنجا راهنمایی می‌شدند.
۵. نوه فتحعلی‌شاه و فرزند علی‌شاه ظل‌السلطان.
۶. علی‌شاه‌میرزا ظل‌السلطان پسر دهم فتحعلی‌شاه (۱۲۱۰-۱۲۷۱ ق) و برادر اعیانی عباس‌میرزا.
۷. محمدعلی‌میرزا متخلص به دولت و ملقب به دولت‌شاه پسر بزرگ فتحعلی‌شاه (۱۲۳۷-۱۲۰۳ ق).
۸. عباس‌میرزا پسر چهارم فتحعلی‌شاه (۱۲۰۳-۱۲۴۹ ق).
۹. نقشه تروفیموف به سال ۱۹۳۱ م (۱۳۱۰ ش)، مرکز اسناد خطی کاخ گلستان به شماره ۳۸۶.
۱۰. کارشناس ارشد معماری و شهرسازی، عضو هیئت امنا و هیئت مدیره انجمن مفاخر معماری ایران، عضو جامعه مهندسان مشاور ایران.

منابع

- اعتمادالدوله، میرزا آقاخان نوری. (۱۲۷۲ ق). *روزنامه وقایع اتفاقیه*، نمره ۲۶۰.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۱). *المآثر و الآثار*، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه، ج ۱، ۲، ۳. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۳). *تاریخ منتظم ناصری*، ج ۱، ۲، ۳. به کوشش محمداسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۵۰). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه در بین سال‌های ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ ق*. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۷). *مرآت البلدان*، ج ۱، ۲، ۳. به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث. تهران: دانشگاه تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۲۹۴ ق). *روزنامه ایران*، نمره ۳۱۸.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۲۸۸ ق). *روزنامه ایران*، نمره ۵۱.
- امین‌الدوله، فرخ خان. (۱۳۵۸). *مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین‌الدوله*، قسمت اول مربوط به سالهای ۱۲۴۹-۱۲۷۳ ق. به کوشش کریم اصفهانیان. تهران: دانشگاه تهران.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۴۸). *امیرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی.
- بامداد، مهدی. (۱۳۴۷). *شرح حال رجال ایران در قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴*، ج ۱، ۲، ۳، ۴. تهران: زوار.

- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۱). سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان). ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.

- ذکاء، یحیی. (۱۳۴۹). تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان. تهران: انجمن آثار ملی.

- رائین، اسماعیل. (۱۳۷۳). حقوق بگیران انگلیس در ایران. تهران: چاپخانه علمی.

- سالور، مسعود. (۱۳۷۱). روزنامه خاطرات عین السلطنه (قهرمان میرزا سالور). به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.

- شیرازیان، رضا. (۱۳۹۱). راهنمای نقشه‌های تاریخی شهر تهران. تهران: دستان.

- صنیع‌الملک، میرزا ابوالحسن خان. (۱۲۸۲ق). روزنامه دولت علیه ایران. نمره ۵۷۹.

- ظهیرالدوله، علیخان. (۱۳۵۱). خاطرات و اسناد ظهیرالدوله. به کوشش ایرج افشار. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

- غفاری کاشانی، ابوالحسن. (۱۳۶۹). گلشن مراد. به کوشش غلامرضا طباطبائی مجد. تهران: زرین.

- فلاندن، اوژن. (۱۳۵۶). سفرنامه اوژن فلاندن به ایران. ترجمه حسین نورصادقی. تهران: اشراقی.

- فووریه، ژوآنس. (۱۳۸۵). سه سال در دربار ایران، ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ قمری. ترجمه عباس اقبال. تهران: نشر علم.

- گلشن، صدیقه. (۱۳۷۴). «گلستان باغ گلستان (ارگ تاریخی تهران)». در مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. ج ۲. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

- معیرالممالک، دوستعلی خان. (۱۳۶۱). یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه. تهران: چاپخانه نقش جهان.

- هدایت، رضاقلی خان. (۱۳۳۹). روضة الصفای ناصری. ج ۹ - ۱۰. قم: چاپخانه حکمت.